

یکی از موضوع‌هایی که در دوران پساکرونا باید مورد تجدید نظر قرار گیرد، مبحث ارزش‌های بنیادین زندگی است. در یادداشت زیر به بررسی جایگاه لذت در زیست آدمی پرداخته می‌شود؛ این‌که آیا کسب لذت و خوشی مهم‌ترین ارزش زندگی است؟ رابطه هدف زندگی با لذت، چیستی و انواع لذت و نگاه به لذت‌های عمیق و اصیل از جمله مواردی است که در این مطلب به آن توجه شده است. قطعاً تحول در معنا و ارائه تعریف چگونگی خوب زیستن، بدون پرداختن به مقوله لذت و رنج، ناقص و سطحی است.



بابک عباسی | دکترای تخصصی فلسفه غرب

در دستگاه تجربه نوزیک

چه چیز خوب کار نمی‌کند؟



کسب می‌کند؛ چه لذت‌های مادی و چه لذت‌های سطوح بالاتر. می‌توان خوشبختی انسان را در پایان زندگی‌اش برحسب کمیت و کیفیت لذت‌هایی که کسب کرده است، محاسبه کرد؛ حتی اصالت دادن به «حس خوب» یا حتی «حال خوب» هم نوعی لذت‌گرایی است (البته اگر شما به لذت و احساس خوب بها دهید و در کنارش چیزهای دیگری مانند فضیلت یا شفقت را هم مهم بدانید، به معنای دقیق کلمه لذت‌گرا محسوب نمی‌شوید).

در کنار لذت‌گرایی، نقد لذت‌گرایی نیز از افلاطون و ارسطو تا فلسفه معاصر همواره مطرح بوده است؛ اما یکی از نقدهای معاصر علیه لذت‌گرایی بیشتر از بقیه مطرح شده و به چشم آمده است. این نقد که از طرف بسیاری از متفکران نقیدی بنیان‌کن تلقی شده، آزمایش فکری «رابرت نوزیک» (Robert Nozick، ۱۹۳۸-۲۰۰۲) به نام «دستگاه تجربه» (Experience Machine) است. این آزمایش فکری شاید به دلیل ویژگی فانتزی و بار دراماتیک آن و شاید هم به دلیل گسترش واقعیت مجازی

لذت‌گرایی (hedonism) گرایش و اندیشه‌شناسی است؛ هم در قلمرو نظر، در تاریخ فلسفه و نظریه‌های اخلاقی و نظریه‌های «خوب زیستن»، از ابتدا تا به امروز سخن‌گویان و مدافعانی داشته و هم بسیاری در زندگی و در عمل به آن پایبند بوده‌اند. یافتن مصادیق این گرایش چه در زندگی خودمان، چه در زندگی انسان‌های پیرامونمان و در جهان کار سختی نیست. امروزه فرهنگ مصرف‌گرایی با هم‌دستی شبکه‌های اجتماعی بیش از هر زمانی در کار شرطی کردن انسان‌ها با لذت‌ها و خوشی‌های زودگذر است. اگر بخواهیم به زبان فرویدی سخن بگوییم، گویی لذت‌گرایی نه فقط از طرف «اید» (نهاد، Id)، بلکه از طرف «سوپرایگو» (فرمان، Super-ego) به انسان‌ها دیکته می‌شود؛ بیشتر مصرف‌کن، بیشتر لذت ببر، در مسابقه لذت‌بردن عقب نیفت و... .

شاید بتوان عصر جدید و جهان مدرن را عصر غلبه عملی اندیشه لذت‌گرایی دانست. ایده اصلی لذت‌گرایی این است که یگانه چیزی که در زندگی مهم است و خوشبختی انسان را رقم می‌زند لذت‌هایی است که شخص

(virtual reality) در دهه‌های اخیر، بسیار هم مشهور شده و در کنار آزمایش «مغز در خمیره» (Brain in a Vat) «پاتنم» (Hilary Putnam، ۱۹۲۶-۲۰۱۶)، جزو آزمایش‌های فکری‌ای است که حتی برای غیراهل فلسفه هم جذاب است. نوزیک در کتاب بی‌دولتی، دولت، آرمان‌شهر (۱۹۷۴) برای نقد این اندیشه که کسب لذت و خوشی (و البته اجتناب از درد) مهم‌ترین ارزش زندگی است، آزمایشی خیالی را طرح می‌کند: تصور کنید دستگاه بسیار مجهز و پیشرفته‌ای (ماشین تجربه) وجود داشته باشد که بتواند در ذهن شما تجربه‌های لذت‌بخش تولید کند؛ هر تجربه‌ای که دوست دارید داشته باشید. اگر فیلم ماتریکس (۱۹۹۹) را دیده باشید، می‌دانید درباره چه جور دستگاهی حرف می‌زنیم؛ اما اگر آن فیلم را ندیده باشید، تصور کنید وارد اتاق مجهز و مطبوعی می‌شوید که در آن صندلی‌هایی مانند صندلی دندان‌پزشکی قرار دارد. می‌روید و روی یکی از صندلی‌ها راحت لم می‌دهید. خانم کارشناس می‌آید و فهرستی به شما می‌دهد از تجربه‌ها و لذت‌هایی که دوست دارید داشته باشید؛ تجربه‌های ملایمی مثل

شاید بتوان
عصر جدید و
جهان مدرن
را عصر غلبه
عملی اندیشه
لذت‌گرایی
دانست. ایده
اصلی لذت‌گرایی
این است که
یگانه چیزی
که در زندگی
مهم است و
خوشبختی
انسان را رقم
می‌زند، لذاتی
است که شخص
کسب می‌کند؛
چه لذات مادی و
چه لذات سطوح
بالاتر

مصاحبتی شیرین در کنار یک ساحل زیبا با تمام اسباب طرب، تجربه‌های هیجان‌انگیز مانند صعود به قله یا اسکی روی آب، تجربه دوستی‌های عمیق، تجربه‌های معنوی‌تر، کمک به نیازمندان، تجربه لذت‌بخش سخن‌گفتن به چند زبان، تجربه خلق یک اثر هنری بزرگ، لذت یک کشف علمی، حتی تجربه‌های دینی برای اهلس و تجربه روشن‌شدگی باز برای اهلس. می‌توانید این فهرست را به کمک تخیل و مناسب با ترجیحات خودتان تکمیل کنید. فرم را پر می‌کنید؛ سپس کارشناس مهربان با رفتاری ملایم سیم‌هایی به چند نقطه از مغز و بدن شما وصل می‌کند و آرام‌آرام به خواب می‌روید و در جهانی دیگر (جهانی مجازی) چشم باز می‌کنید. تمام آنچه خواسته بودید، آنجا هست (اگر به نظرتان برسد که لذت زیاد هم ممکن است خسته‌کننده باشد، می‌توانید در فهرست سفارشی‌تان درد و رنج‌های محدود و «به اندازه» هم بگنجانید). فرض کنیم یک تور یک‌هفته‌ای را در این جهان می‌گذرانید (نگران جسمتان روی صندلی هم نباشید، دانشمندان نیک‌اندیش فکر همه چیز را کرده‌اند). بعد از گذراندن یک هفته در آن جهان مجازی (بهترین جهان ممکن!) دوباره به این جهان متعارف برمی‌گردید و خود را در آن اتاق می‌بایید. پرسش نوزیک این است: حالا که آن جهان و زندگی ایدتال (بر اساس نظر لذت‌گرایان) را تجربه کرده‌اید

همان‌گونه که
«بتلی» در کتاب
«فضیلت»
(Battaly, ۲۰۱۵)
تصریح کرده است،
مشکل
لذت‌گرایی دیدن
زندگی خوب
تحت عنوان
«تجربه» است
و اساسا برای
همین اسمش
را دستگاه تجربه
گذاشته‌اند

آیا مایلید قراردادی امضا کنید که باقی زندگی‌تان را در آن جهان مجازی بگذرانید؟ غیر از برخی موارد خاص (مثل شخصیت سایفر در فیلم ماتریکس یا مثلا کسی که از شدت درد و رنج و ناامیدی در آستانه خودکشی است) پاسخ شهودی بیشتر افراد به این پرسش منفی است: حاضر نیستیم آن قرارداد را امضا کنیم و زیر این دستگاه برویم. این پاسخ به نظر خیلی‌ها به معنای ردّ اندیشه لذت‌گرایی است. در شرح و تفسیر این آزمایش فکری و طرفداری یا نقد آن، بحث‌های مفصلی شده (و حتی تقریرهای متفاوتی از آن عرضه شده است و در مجموع سناریوی «ماشین تجربه»، حول خود ادبیات متنوعی پدید آورده که گزارش آن‌ها می‌تواند موضوع تحقیق مستقلی باشد). آنچه در این یادداشت کوتاه قصد طرح آن را دارم، طرح تردید و تأملی در فهم کارایی و مناسبت این آزمایش فکری در سنجیدن ایده لذت‌گرایی است. برخی نویسندگان مانند «چین کازز» (Jean Kazez) یا خصوصا «توماس هرکا»

گرفته‌اند و به بررسی این مسئله پرداخته‌اند که در زندگی زیر این دستگاه چه کیفیاتی را از دست می‌دهیم؛ برای نمونه، کازز در کتاب «وزن چیزها» (۲۰۰۷) کلمات زیادی برای برشمردن این‌که معایب زندگی زیر این دستگاه چیست، صرف‌کرده است؛ مانند مستقل نبودن، ناکامی در مهربانی به دیگران، داشتن باورهای نادرست. اما این آزمایش فکری برای سنجیدن یک ایده است و نباید درگیر جزئیات آن شد. همان‌گونه که «بتلی» در کتاب «فضیلت» (Battaly, ۲۰۱۵) تصریح کرده، مشکل لذت‌گرایی، دیدن زندگی خوب تحت عنوان «تجربه» است و اساسا برای همین اسمش را دستگاه تجربه گذاشته‌اند. ایده نهفته در آزمایش فکری ماشین تجربه این است که اگر اصالت با تجربه است (تجربه لذت)، این تجربه را می‌شود از راه‌های مختلف پدید آورد: از جمله از راه مجازی. اما بتلی نیز مانند دیگر فیلسوفان بالا صحت استدلال نوزیک را مفروض گرفته و از آن رد شده است. اغلب گفته شده است که لذت‌گرایی نمی‌تواند به نحو سازگاری هم زندگی زیر این دستگاه را نپذیرد و هم لذت‌گرا باقی بماند. در این یادداشت کوتاه قصد دارم در درستی این گزاره و کفایت آزمایش فکری نوزیک برای از میدان به‌درکردن لذت‌گرا تردید کنم و از منظر لذت‌گرایی بگویم چرا می‌توان این دستگاه را رد کرد و همچنان لذت‌گرا ماند؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



ساده‌ترین جوابی که لذت‌گرا می‌تواند بدهد، این است که اتصال به دستگاه تجربه را نمی‌پذیرد؛ زیرا لذت‌های تولیدشده در آن دستگاه «واقعی» نیست. لذت‌گرا در همین جهان به ارزش انحصاری لذت قائل است و مدعایش مشروط به شرایط این جهان است. طرح آزمایش فکری دستگاه تجربه عوض کردن سیاق و بافتار موضوع است؛ لذا حکمش متفاوت خواهد بود. حکم هر مسئله‌ای از جمله به سیاق بستگی دارد و عوض کردن سیاق به تغییر حکم خواهد انجامید؛ لذا لذت‌گرا می‌تواند بدون عدول از موضعش و به نحو سازگاری اتصال به ماشین تجربه را نپذیرد. به تعبیر دیگر، لذت‌گرا خواهد گفت واقعی بودن تجربه در همین جهانی که هستیم با تمام ناتمامیت آن و حتی حضور فرض‌های شکاکانه، برای من مفروض بوده است و به همین دلیل صحبتی از آن نکرده‌ام و ماشین تجربه مسئله را درکل طور دیگری طرح می‌کند. پاسخ نوزیک این خواهد بود که از منظر پدیدارشناسانه و از جهت خود تجربه، لذت امری ساجیکیو (انفسی) است و از این حیث فرقی میان لذت واقعی با لذت مجازی وجود ندارد؛ پس چرا باید لذت‌گرا از دستگاه تجربه تن بزند؟ به بیان دیگر، مادامی که نظرم‌ان به تجربه است، فرقی تجربه لذت در دستگاه و بیرون از دستگاه چیست؟ جواب این است که هیچ فرقی ندارند؛ چنانچه منشأ یکی حقیقی است و منشأ دیگری غیرحقیقی و شاید این فرق مهمی باشد. به این ترتیب این پرسش برجسته می‌شود که آیا در مقام ارزیابی یک تجربه می‌توان اصالت و منشأ و نیز مرجع آن تجربه را نادیده گرفت؟

به نظر می‌رسد مدافعان نقد نوزیک می‌خواهند

غایی باشد؛ نه این‌که لذت نمی‌تواند یگانه ارزش غایی باشد.

اما فارغ از این ملاحظات، درباره خود مدعی لذت‌گرایان چه می‌توان گفت؟ ممکن است خواننده همچنان با خود بیندیشد که آیا کسب لذت می‌تواند یگانه ارزش غایی باشد؟

اگرچه آزمایش فکری نوزیک به طور معمول در صف اول نقدهای ناظر به لذت‌گرایی طرح می‌شود، فیلسوفان و روان‌شناسان اشکالها و بن‌بست‌های مهم‌تری در اهمیت انحصاری‌بخشیدن به لذت آشکار کرده‌اند که از آن جمله «پارادوکس لذت‌گرایی» است. بنابراین جست‌وجوی عامدانه و مستقیم لذت، نتیجه عکس دارد و موجب می‌شود لذت از چنگ ما بگریزد و بالعکس، اگر در پی اهداف دیگر و کمتر خودخواهانه‌ای باشیم، لذت همچون پاداش رسیدن به آن هدف نه به منزله خود هدف سرفی رسد. پس اگر می‌خواهید لذت‌های عمیق و اصیل داشته باشید، لذت‌گرا نباشید! لذت‌های سطحی که غالباً مستلزم تماس فیزیکی و در سطح است، به دلیل سهل‌الوصول بودن و نیز ناپایداری، اهمیت و مقامی ندارد که کاندیدای یگانه ارزش زندگی باشد؛ اما لذت به معنای شادکامی ماندگار که چنین اهمیتی دارد، نه هدف، بلکه پیامد جانبی و محصولی فرعی برای برخی فعالیت‌های معطوف به بیرون و انسان‌های دیگر (و نه معطوف به احساسات شخص) است که آن هم عدول از لذت‌گرایی خواهد بود. در یک کلام، لذت‌گرایی همان‌گونه که شوپنهاور به بیانی رسا نشان داده است، ناقص خود خواهد بود.

نوعی قید و الزام متافیزیکی را هم بر دوش لذت‌گرا بگذارند؛ یعنی ناواقع‌گرایی را. اما معلوم نیست چرا باید لذت‌گرا زیر بار چنین تعهدی برود. بله، لذت‌گرا خیر و خوبی را در هیئت یک تجربه می‌بیند؛ اما مثل بقیه تجربه‌های ما، نه یک تجربه بی‌ربط به جهان خارج، البته خواهند گفت می‌شود کاری کرد که وقتی وارد دستگاه شدید با دستکاری در حافظه سابقه و حافظه زندگی بیرونی و قبل از دستگاه پاک شود؛ طوری که شخص نداند در جهانی مجازی است؛ اما چنین کاری ارزش لذت‌های زیر دستگاه را با لذت‌های واقعی و داشتن باورهای صادق درباره آن لذت‌ها یکی نمی‌کند. این چیز خوبی نیست؛ ولو آنکه خود شخص نداند و لذت‌گرای عاقل (اگر لذت‌گرایی عاقلانه ممکن باشد) چنین امر ناخوبی را نخواهد پذیرفت.

می‌شود این استدلال علیه نقد نوزیک را به نحوی دیگر نیز صورت‌بندی کرد: درست است که چابگاه لذت، درون ذهن است و از این قرار به نظر می‌رسد لذت‌گرا در پی چیزی است که درون ستر او در سیستم عصبی او جریان دارد (کیفیت لذت)؛ اما از منظر لذت‌گرا، واقعی بودن (تماس شناختی با واقعیت) شرط یا پیش‌شرط برنامه لذت‌گرایی است و نه چنانکه بسیاری از شارحان پنداشته‌اند، ارزشی در کنار ارزش لذت. صورت‌بندی نوزیک در بهترین حالت روایتی ساده از اندیشه لذت‌گرایی را هدف قرار می‌دهد و البته در این حالت رد آن هم بسیار آسان خواهد بود. در روایت‌های پیچیده‌تر دست‌کم برخی لذت‌ها گرایشی گزاره‌ای دارند و در آن‌ها صدق مأخوذ و مفروض است؛ مانند لذتی که شخص از وضع امور خاصی می‌برد؛ لذت بردن از این واقعیت که شخص شغلی خوب یا فرزندان خوبی دارد. نهایتاً به نظر می‌رسد آنچه دستگاه تجربه نشان می‌دهد این است که لذت غیرواقعی و غیراصیل نمی‌تواند یگانه ارزش

نهایتاً به نظر می‌رسد آنچه دستگاه تجربه نشان می‌دهد این است که لذت غیرواقعی و غیراصیل نمی‌تواند یگانه ارزش غایی باشد؛ نه این‌که لذت نمی‌تواند یگانه ارزش باشد

